

بهاریه ۱۴۰۲

با صرف «سَلَخ» در صیغهی مبالغت

با «قَتَلَ»

که اسم فاعلش شماره‌ای سازمانی است

- محرمانه است -

با مفعول «جَرَحَ»

- بر آویختگان در کوی‌ها -

برخاستند و شکرانه را کمر بستند؛

و تا آب دستِ وضو کردند

در جوی‌ها

خون متواتر گشت.

به معابر

خطّابان به خط شدند:

پیش پای، نَطعِ جَلّادان و پیش بند قصّابان،

در دستار؛

بر منابر اُمّ

هر بار

ذکر قناری رفت.

- گوشت نوجوان!

گوشت نوجوان است این

که روزه بدان گشاده‌اند...

هر روز

با ذبح کودکان

عید اضحی کردند؛

و کارد

چنان از گلوی گل گذشت
که سنگ به ضرب آن شکست.

قداره کشان به غصب بستان رفتند
پاکوب میان لاله‌زاران رفتند
خوردند قسم به قتل گل‌ها، آن گاه
با داس به ترحیب بهاران رفتند



اینک

جمع مکسّر «رذل» است
عریده جویان در شهر:

هزار کبوتر بی سر

مشت مشت شکوفه‌ی پرپر

می‌ریزند شادمانه‌ی نصرت را.

آنك

يك دشت چشم باز در خاك

باران را مزدگان نيسان را

به راه نشسته است.

ریشه می زند و از شكاف دو پلك برمی خیزد:

نهال باسق قیام

گل، گل، گل

جوانه‌های انتقام جوانه‌های انتقام